

نوشتۀ چودری محمدحسین

ترجمۀ محمدریاض خان

نظری بر «جاویدنامه» اقبال لاهوری*

علامۀ اقبال از اوایل سال ۱۹۲۹ م. به نوشتن «جاویدنامه» پرداخت. در ظرف سه سال، این کتاب تکمیل یافته در سال ۱۹۳۲ م. به حلیه چاپ آراسته شده است. جاویدنامه اصلاً معراج نامه‌ای می‌باشد. اقبال از دیرباز فکر تألیف کتابی در مورد اسرار و حقائق معراج حضرت ختمی مرتبت (ص) به خاطر می‌پرورانیده ولی در این امر که چرا معراج نامه را جاویدنامه نام گذاشته است دو الی سه محرک وجود دارد که ذکر می‌گردد. مانند وقایع متعدد دیگر اسلام، مسلمانان در پیرامون حقیقت معراج نبوی (ص) هم کمتر تعمق ورزیده‌اند - اقبال می‌خواست که مانند مثنوی «گلشن راز

* این مطالب ترجمه و تلخیص قسمت اول مقاله مبسوطی است که کمی بعد از انتشار جاویدنامه در سال ۱۹۳۲ م. تحت همین عنوان چاپ شده است. اهمیت این گفتار را در لابلای مطالب دقیق آن می‌توان مشاهده کرد. چودری محمدحسین فقید متوفی ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۰ م از دوستان صمیمی اقبال، این مقاله را تحت نظر خود اقبال مرحوم نوشته و بهمین علت امیدواریم که این ترجمه در فهمیدن اهداف مقاله جهانی «جاویدنامه» سودمند افتد.

۱- شرح جاویدنامه مرتبه صیغه‌الله بختیاری طبع لاهور صفحات ۶۵ به بعد.

جدید» واقعه معراج را طبق علوم و فنون کنونی شرح کرده «معراج‌نامه جدید» بنویسد. ممکن بود که او چنان کتابی را به سبک عمومی می‌نوشت و در شیوه «درام آسمانی» کتاب کنونی جاوه‌گر نمی‌شد ولی در همین اوان در مورد «کمدی الهی» شاعر معروف اطالوی دانته الیفیری^۲ بررسی‌های تازه و مهم در اروپا چاپ گردیده و در آنها این حقیقت به اثبات رسیده که صحنه کلی یا لااقل مناظر زیاد «درام آسمانی کمدی الهی» متکی و منقول از آن وقایع می‌باشد که درباره معراج محمدیه (ص) در بعضی از کتب احادیث مندرج می‌باشد. این نوع وقایع سیاحت عالم علوی در کتب آن گروه صوفیه و ادبای شهیر هم آمده که طبق افکار و تجارب متنوع خود به ذکر معراجهای خود ایشان یا به شرح معراج نبوی (ص) پرداخته‌اند. تحقیقات تازه توجه اقبال را به این امر مبذول داشته که بجای مباحث عمومی و شرح معراج‌نامه که به بیان حقایق معراج محدود می‌ماند سبک ادبی و غیر عرفانی دانته، معراج خودش را عرضه بدهد و به کمک تخیل و ادراک نیرومند با استفاده از آزادی مباحث از میدانهای محدود تاویل و تفسیر معراج گذشته خوانندگان را به فضاهای لامحدود فکر و بصیرت و اختراع و الهام ببرد.

کلمات مرکب «کمدی الهی» و «جاویدنامه» مرادف نیست ولی به‌طور کلی در هر دو اسم یک نوع مناسبت معنوی وجود دارد. اسم فرزند علامه «جاویداقبال» هم تاحدی در اسم گذاری این کتاب تأثیری دارد ولی از این دیدگاه جاویدنامه بخش نهائی کتاب است که بعد از پایان یافتن درام آسمانی من حیث ضمیمه و به‌عنوان «خطاب جاوید» سخنی به‌نژاد نو» کتاب مذکور را شامل می‌باشد. دانته کتاب خود را «کمدی» (کمدیا) نام نهاده بود. صفت

۲- Dante Alighieri ۱۲۶۵-۱۳۲۱ م.

«دیوان» (الهی) را که اینک جزو اسم کتاب قرار گرفته به علت موضوع جالب و شهرت و دلآویزی فوق العاده آن بعضی از ارادتمندان شاعر بر آن اضافه کرده اند. دانتی در سال ۱۳۲۱ م. فوت کرده و مداحان وی از سال ۱۵۱۲ م. کتابش را به اسم مرکب «کمدی الهی» یاد کردند و سه سال بعد از آن در ۱۵۱۵ م. مجموعه «کمدیا» به اسم توصیفی «کمدی الهی» چاپ گردیده است. مردم مشرق زمین ممکن است که هنوز از این حقیقت بی اطلاع باشند ولی به وسیله تحقیقات جدید بعضی از خاورشناسان اسپانیائی دانشمندان مغرب زمین مطلع شده اند که در میان ماخذ «کمدی الهی» اولاً اخادیت نبوی (ص) می باشد که علاوه بر بحثهای اسرار نبوی (ص) حامل ذکر سیاحت علوی و مشاهده تجلیات نویسندگان می باشد. درین مورد رساله الففران^۳ شاعر نابینا ابوالعلاء معری و الفتوحات المکیة فی معرفة الاسرار المالکیة والملکیة مؤلفه محی الدین^۴ بن عربی بویژه ذکر کردنی است. آسن، استاد معروف دانشگاه مادرید و خاورشناس شهیر اسپانیائی^۵ که به اکتشاف این امر پرداخته در کتاب «اسلام و کمدی الهی» می نویسد:

«زمانی که دانتی به طرح ریزی منظومه جاودانی خود می پرداخت لاقلاً ششصدسال پیش از آن روایات اسلامی در مورد سیاحت عوالم علوی حضرت محمد (ص) وجود داشت. از قرن هشتم تا سیزدهم میلادی محدثین و علما و مفسرین و صوفیه و حکما و شعرای مسلمان روایات معراج را در

۳- به تصحیح بنت الشاطی، دارالمعارف قاهره، در این مورد رساله التوابع والزوابع مؤلفه ابوعامر احمد قرطبی اندلسی (۲۸۲-۴۲۶ ه.ق) چاپ قاهره هم ذکر کردنی است (مترجم).

۴- ابوبکر محمد اندلسی ۵۶۰-۶۲۸ ه.ق.

۵- Asin Palacios Miguel

البسه حکایات مذهبی و تاریخی بیان نموده و سپس در صورت واردات رواه یا
 احياناً به کمک تاروپود تبعات و آثار، بسیاری از موارد تشابه را خواهیم
 دریافت گنجانده اند. در مواضع متعدد، حتی در صحنه های مدارج بهشت
 و دوزخ ذکر مجازات و پاداش، مشاهده مناظر طبیعت، کیفیت حرکت و
 سکون افراد، بیان واردات و واقعات مسافرت علوی، رموز و کنایه ها و
 وظائف دلیل راه و در وصف های عالی ادبی و غیره تشابهاتی بچشم
 می خورد».

استاد آسین احادیث معراج را به اعتبار اسناد در سه زمانه منقسم
 ساخته و در ذکر خود کیفیت اختلاف سه گونه روایات ارتقای واقعه معراج را
 بیان داشته است. با وجود اشارت این امر که قبل از واقعه معراج حضرت
 رسول (ص) روایاتی در مورد سیاحت علوی بعضی از مقدسین مذهبی وجود
 داشته است مانند افسانه های مسافرت بهشت ایرانی به وسیله «ارداویراف»،
 خاورشناس فقیه به اعتراف و اذعان این حقیقت می پردازد که :

«هیچکدام از روایات مسافرت های علوی مقدسهای مذهبی به مرحله
 روایات اسلامی، کامل و توسعه یافته نمی باشد. واقعات معراج حضرت
 محمد (ص) در قالب هر مرد مسلمان اعم از عالم و بی سواد جایگزین شده و
 اعتقاد به سایر روایات معراج، جزو ایمان مرد مسلمان قرار می گیرد. روز
 معراج محمدی هم اکنون از اعیاد بزرگ جهان اسلام محسوب می شود و در
 بسیاری از کشورهای اسلامی چون ترکیه و مصر و مراکش و غیر آنها
 به مناسبت احترام آن روز تعطیل می کنند و این امر دلیلی بارز است درین
 مراد که مسلمانان نسبت به روایات و واقعات معراج دارای معتقدات پخته
 و استوار می باشند.»

پروفسور آسین اگر به کشورهای اسلامی مسافرت هایی را انجام می داد

و ادبیات مسلمانان، به زبانهای مختلف را از نظر نفوذ روایات معراج می‌نگریست، به این حقیقت پی‌می‌برد که روایات معراج حضرت رسول (ص) به این اندازه جزو عقاید مسلمانان قرار گرفته‌است که در دنیا بطور عامه زبانی نیست که مسلمانان در آن صحبت کنند یا مطلبی بنویسند و آن فاقد «معراج‌نامه‌ای» باشد و راستی وقتی اختلافات جسمانی یا روحانی بودن معراج منجر به عربده‌های دراز و زدوخوردهای متمادی مسلمانان بوده‌است.

جنبه‌های متفاوت واقعه معراج :

نخستین جنبه دینی و علمی معراج همانا مشاهده تجلی ذات است که حضرت رسول اکرم (ص) ازان برخوردار گردیده‌اند. جنبه دوم آن متعلق به تصوف است و وقایع معراج صوفیه هم دارای جنبه‌های خاصه علمی و مذهبی است. صوفیه متعدد در صور متفاوت به مشاهده تجلی ذات، البته در مراتب خودشان، پرداخته‌اند. تصوف مجموعه طرقتی است که به وسیله آنها به معرفت مستقیم ذات حضرت باری سعی می‌کنند و خوشبختانی که به طی طرق سلوک از پرتو تجلی ذات بهره‌یاب شدند احیاناً موفقیت‌های شایان روحانی خودشان را به عنوان معراج ذکر کرده‌اند. در میان صوفیه بزرگ معراج بایزید بسطامی و محی‌الدین بن عربی شهرت فراوان دارد. کیفیت معراج روحانی بایزید بسطامی شاید به رشته تحریر نیامده و وقایع شستی آن در کتب تصوف^۶ یافت می‌شود، ولی محی‌الدین بن عربی در فتوحات مکیه و بعضی از آثار دیگر^۷، معراج خودش را کراراً بیان داشته‌است. او در

۶- بنگرید به مقاله دکتر محمد عبدالرب : اقبال ربویو، مجله آکادمی اقبال کراچی

(پاکستان) اکتبر ۱۹۷۱ م.

۷- مثلاً در کتاب التجلیات، مشموله رسائل ابن عربی جلد دوم، چاپ حیدرآباد دکن ۱۹۴۸

۰۲ (مترجم)

سیاحت علوی، دونفر یکی عالم دین و دیگری فیلسوف، را راهنمای خود قرار داده و از زبانهای آنان سایر مسائل جهان را اینطور بیان داشته که گویا همه آنها کشفیات و الهامات است که در اثنای معراج به روی قلبش انعکاس پذیرفته است. معراج ابن عربی صرفاً عرفانی نیست بلکه بیشتر جنبه آن مذهبی است. او حقایق سیاحت آسمانی و مشاهده ذات را با تفصیلی هر چه تمام تر بیان داشته ولی مباحث مذهبی و اخلاقی توجه وی را بیش از مطالب عرفانی، به خود مبذول ساخته است. منازل و مراحل واقعات و کیفیات و مشاهدات وی تقریباً در همان نحو است که در موارد معراج حضرت رسول (ص) بیان گردیده ولی بیان ابن عربی دارای تفصیلات و تصریحات کامل تری است و سایر مباحث کمدی الهی دانه اطالوی بر اساس کار آن ابواب فتوحات مکیه استوار است که در آنها ذکر معراج آمده است.

نوع سومین معراج خالصه ادبی و آرتیستیک است و لازم نیست که جنبه ادبی معراج دارای مطالب اخلاق و مذهب باشد. رساله الففران مؤلفه ابو العلاء معری جنبه معراج ادبی دارد. معری رساله مزبور را در جواب مکتوب دوستش ابو القارح حلبی شاعر و ادیب نگاشته است. ابو القارح بعد از تعریف و تمجید معری شیوه طنز ادبی را به کار برده شعرا و ادبای جنایت کار را مورد عتاب خداوندی تلقی کرده و اشارتی نسبت به خود معری هم ابراز داشته است. ابو العلاء معری در رساله الففران، سبک معراج ادبی را بکار برده است. او به مسافرت بهشت و دوزخ پرداخته و برای نمایاندن وسعت مراحل ذات باری از جنایتکاران و عاصیان نیز شعرای دوره جاهلی را که قبل از مرگ به توبه و انابت توفیق یافته اند، موجب غفران و آمرزش قرار داده و همه آنان را در منازل بهشت برین جلوه گر ساخته است. پروفیسور آسین عقیده دارد که بعضی از خصائص ادبی کمدی

الهی تحت تأثیر ویژگی‌های رساله الففران می‌باشد. معری علاوه بر نقد کلام شعرای قدیم و معاصر، در بیان ملاقات خودش با لغوی‌ها، بعضی از مسائل لغوی را نیز مطرح ساخته است. شیوه ادبی معراج در قصیده مسافرت روحانی «شهرزوری» هم به نظر می‌رسد. ابوالعباس احمد بن خلکان این قصیده را در وفیات الأعیان نقل کرده بود و استاد وستن فلد آن را با ترجمه خود جداگانه منتشر ساخته است. امکان دارد که در مجموعه بزرگ کتب اسلامی مطالب معراج عرفانی و ادبی در آثاری دیگر هم وجود داشته باشد^۸ بطور کلی هر نویسنده بزرگ مسلمان نسبت به واقعات معراج توجهی داشته و بعضی‌ها گونه‌ای از معراج خودشان را نیز بیان کرده‌اند. زمانی نویسندگان مسلمان بعد از بیان حمد خداوندی چون به نعت حضرت رسول (ص) می‌پرداخته، بابی جداگانه را به ذکر معراج نبوی (ص) مخصوص می‌کردند و بطور مثال ما به کتب *خمسه نظامی گنجوی* اشاره می‌نماییم: نظامی در هر یک از کتب *خمسه* خود به توصیف معراج نبوی (ص) پرداخته است و سایر محبین وی نیز همچنین کرده‌اند.

روایات معراج در مغرب‌زمین:

طبق تحقیقات پروفیسور آسن، روایات معراج در مغرب‌زمین به وسیله علما و صوفیه به مسلمانان اسپانیائی رسیده است. کمدی الهی دانت را می‌توان نمونه بزرگ دوم تتبع روایات معراج تلقی کرد. آن‌طور که مذکور افتاد، دانت طبقات و منازل بهشت و دوزخ و اعراف را از فتوحات مکیه ابن عربی اخذ کرده، در مورد جنبه‌های علوم متداوله عصر خود هم روشی مانند روش ابن عربی اختیار

۸- مثلاً رساله التوابع والزوابع مؤلفه ابو عامر احمد قرطبی ۴۲۶هـ، چاپ قاهره (مترجم)

کرده ولی باضافه وقایع سیاسی و تاریخی، منزله ادبی کتاب خود را زیباتر ساخته است. دانتِه چون منابع خود را ذکر نکرده بود، تا قرنهای متمادی اروپائیها تحت تاثیر نبوغ و اختراع شعر و حکمت وی قرار گرفته اند، ولی الان معلوم گردیده که کمدی الهی صرفاً اثر ذهن و قیاد وی نبوده است. مقایسه فتوحات مکیه و کمدی الهی موجب طول مقال می گردد و شاید در این وهله این صحبت نامربوط هم باشد والا ما می توانستیم نشان بدهیم که بزرگان فرنگ که موجب تحولات ادبی و علمی و سیاسی (رنسانس) اروپا گردیده اند، از علوم و فنون مسلمانان سخت استفاده و اکتساب نموده اند، و باید اعتراف کنند که مدیون فرهنگ اسلامی می باشند.

اهمیت جاویدنامه:

شش صد سال بعد از شیوع یافتن روایات اسلامی معراج، دانتِه به مشاهده و تخیل خود و به شیوه معراج، اول به بیان نقص های علوم و فنون معاصر و ضعف های اخلاقی و مذهبی ملت مسیحی پرداخته، صحنه های سیاسیات مغرب را نقد و بررسی نموده و در مدت کوتاهی اخلاق و عادات نیز احساس و شعور نژاد نوین فرنگی را در دریای هیجان و تحریک بزرگ گذاشته و ازین دیدگاه کمدی الهی یکی از عوامل پیشرفت علمی و سیاسی اروپا و پیشاهنگ رنسانس محسوب می شود. در حدود شش صد سال بعد از درگذشت دانتِه، جاویدنامه اقبال لاهوری طبق عوامل گوناگون پیشرفت های کنونی و با بررسی و مباحث و مقاصد عالی عرضه گردیده است. و امیدواریم که این کتاب تحول و انقلابی بزرگ را در سرزمین مشرق موجب گردد. جاویدنامه نمونه سوم نتایج ادبی روایات معراج اسلامی است و در شعر فارسی نظیری اسبق را ندارد. امکان دارد که در شش صد سال گذشته صوفیه و شعرایی

مسلمان به این موضوع پرداخته باشند ولی آنطور که ما سعی کردیم بجز معراج‌نامه‌های عامّه که داستانهای تازه و بدیع و مطالب تازه را فاقد می‌باشد کتاب قابل ملاحظه‌ای درین مضمون تاکنون نوشته نشده است.

مقایسه کتب مزبور :

در ذکر مشابّهت عمومی فتوحات مکیّه و کمدی الهی کتبی چند تألیف گردیده است. تفاوت هر دو به نظر ما این است که صاحب فتوحات مکیه صوفی و صاحب حال بوده و کتابش آئینه‌دار واقعات و مکاشفات و واردات روحانی و عرفانی شخصی وی می‌باشد. این کتاب نباید که صرفاً از نظر تخیل مورد مطالعه قرار گیرد. دانتّه با وجود رنگ آمیزی بیشتر وی که از فتوحات مکیه اخذ نموده، از مقام ردیف اول نویسندگان جهان نمی‌تواند فراتر برود ولی بررسی‌های هنری وی در مورد اصلاح گروه بزرگ نوع انسانی شاید بیش از فتوحات مکیه مؤثر افتاده است و ما نباید که منکر این حقیقت بشویم.

در جستجوی حقایق حیات بعدالممات، ابن عربی و دانتّه هر دو به گردش هفت و در مواضع دیگر نه سیارگان، رفته صحنه‌های بهشت و دوزخ و اعراف را همان‌طور بیان داشته‌اند که در احادیث معراج رسول (ص) آمده است. تفاوتی بزرگ گه بچشم می‌خورد این است که در روایات معراج نبوی (ص) از مسجد اقصی گرفته تا به آن سوی افلاک فلکی یا سیاره‌ای اصلاً مذکور نیست البته در بعضی از روایات احادیث در ذکر مراجعت حضرت رسول (ص) از عالم عاوی، بعضی از سیارگان بیان شده است. کسانی که به ذکر عمومی معراج رسول (ص) می‌پردازند، درحین ذکر مدارج عروج، ذکر گردش در سیارگان را اضافه می‌نمایند ولی این‌گونه قصص و وقایع مبنی بر احادیث ضعیف است و در بعضی موارد مأخذ آنها روایات فتوحات مکیّه ابن عربی می‌باشد.

مقایسه با جاویدنامه :

جاویدنامه با فتوحات مکیه و کمدی الهی در دو چیز اختلاف دارد :
 اولاً مظاهر تمثیلی و مشکلات صوری و معنوی آن دو کتاب که بعلمت آن
 بعضی از ابواب آنها هنوز لاینحل می باشد، در جاویدنامه دیده نمی شود .
 ثانیاً اقبال به سیاحت شش ستارگان یا افلاک اکتفا کرده، به سوی دوزخ و
 اعراف اصلاً راه نه پیموده، و بجای سیاره هفتم به آن سوی افلاک گام زن
 شده است . مقصودش از این تحول و تطوّر شاید این بوده که افکار و
 اهداف تازه ای چون «جنت» و «حضور» و «تجلی» را به جهانیان عرضه
 دارد. گوش دادن به «ندای جمال» هم برایش کمتر جالب نبوده است .
 «کلیم الهی» کاری صعب است ولی «سمیع الهی» باکی ندارد. اقبال کسانی
 را که می خواست و اصل جهنم تلقی نماید، آنان را در يك قلم هولناك خونین
 فلك زحل مبتلای عذاب ابدی نشان داده و ایشان آن گروه مردمانی نیستند
 که صرفاً از نظر اخلاق و دین جنایتکار و عامی باشند بلکه کسانی هستند که
 نسبت به ملك و میهن خود خیانت و خدعه کاری ورزیده و آتش دوزخ هم در
 پذیرفتن آنان امتناع می ورزد .

صاحبان فتوحات مکیه و کمدی الهی، به دنبال درك حقایق حیات بعد
 الموت می گردند ولی در مواردی زیاد هر دو کتاب روش جداگانه دارد. کتاب
 نخستین بطور عامه حامل مشاهدات عرفانی و دومین دارای مطالب زیاد
 علمی و ادبی و سیاسی است. هدف هر دو تهذیب اذهان و اصلاح اخلاق
 مردم است ولی صوفی و درام نویس هر دو بیشتر توجه خودشان را در
 حلیه های مختلف به حیات بعدالموت مبذول داشته اند. اقبال که مسالمانی
 عالم و حکیم است برای وی مسأله حیات بعدالموت محقق است و او مساعی

خود را به حل مسائل بفرنج کنونی به ابقای حیات انسانی بنحو احسن سعی است. این امر اعتقادی که بعد از مرگ، زندگانی آدم در جنت و دوزخ یا اعراف چطور می‌گذرد، برای اقبال اهمیت زیاد ندارد. چیزی که وی را همه عمر مضطرب ساخته، مسائل حیات دنیوی سایر مردم شرق و غرب است. به علت واماندگی سیاسی و اقتصادی مسلسل زندگانی‌شان از مرگ بدتر گردیده و اهالی مغرب‌زمین چون به انحطاط اخلاقی و تنزل روحیه مذهبی و روانی مواجه هستند، پیشرفت فرهنگی ایشان دچار تعطل و رکود می‌باشد. وقتی فرارسیده‌است که دنیای کنونی به «قیامتی» روبرو گردد و نسل‌های کنونی انسان در حیثیت معنوی خود تغییر یابد و ملتی دیگر بوجود بیاید که معتقدات و مقاصد آن جهانی و یک‌رنگ باشد. اقبال نظر به ابقا و اعتلا و دوام احسن حیات انسانی علاقه‌مند است و از مقاصد کتاب زیر بحث پیدا است که اسم «جاویدنامه» ازین حیث هم بسیار معنی‌خیز می‌باشد. خلاصه اگر احادیث معراج نبوی (ص)، فتوحات مکیه، «کمدی الهی» و جاویدنامه را مورد مقابله قرار بدهیم. فرق مراتب نبی مَلهم (ص) صوفی صاحب‌دل، شاعر فیلسوف و فیلسوف شاعر^۹ را می‌توان مشاهده کرد.

... دیباچه شاعر حاصل در شعر زیر است که مطمح نظر سیاحت علوی وی را مبرهن می‌سازد:

خیال من بتماشای آسمان بوده‌است

بدوش ماه و باغوش کهکشانشان بوده‌است

۱- مقصود بیان به ترتیب معراج حضرت ختمی مرتبت (ص)، ابن عربی، دانه اطالوی و

اقبال لاهوری می‌باشند.

گمان مبر که همین خاکدان نشیمن ماست

که هر ستاره جهان است یا جهان بوده است^{۱۰}

اشارات شاعر به اکتشافات و حدسهای علمی کنونی است که طبق آنها معتقدند که در بعضی از سیارگان مثلاً در مریخ، علائم حیات پیدا است. آن طور که مذکور افتاد در بعضی از مجموعه‌های احادیث هم ذکر «افلاك» آمده و حضرت رسول اکرم (ص) در آن افلاك با انبیای گذشته ملاقات فرموده‌اند... ابن عربی هم در تجارب باطنی سیاحت علوی خود که در شهر مقدس مکه از آن برخوردار بوده (الفتوحات المکیه...)، منازل بهشت و دوزخ و اعراف و سیارگان را ذکر نموده است، ولی چون در مجموعه‌های حدیث معراج سیارگان به عنوان «افلاك» بیان شده، شاید به همین سبب است که علامه اقبال هم قمر و عطارد و زهره و مریخ و مشتری را «افلاك» نامیده است...

جاویدنامه با مناجات شاکیه بی سابقه افتتاح می‌یابد. تمهید آسمانی و زمینی نمونه برجسته قوت دراماتیک شاعر است... در نخستین مقاله شاعر با راهنمای وی، حضرت مولانا جلال‌الدین رومی معروف به «مولوی» فلسفه معراج توضیح می‌یابد. نموداری روح زمان و مکان بنام «زروان» جنبه‌های عمیق شعری و فلسفی دارد بویژه در مورد ماهیت زمان و مکان... سیاحت افلاکی محی‌الدین بن عربی و دانتیه الیغیری از نزدیکی کوهی آغاز می‌پذیرد. اقبال هم نموداری روح حضرت مولوی را از پس کوه، ذکر می‌کند، و آنگاه هردو به سیاحت علوی می‌پردازند. نخستین منزلگاه ایشان فلك قمر است که اقبال از قول رومی می‌سراید:

۱۰- اینک، از طبع دوم حذف گردید و جزو غزل کتاب زبور عجم (ص ۱۲۱) می‌باشد.

ماه از ما دور و باما آشناست

این نخستین منزل اندر راه ماست

خلاصه به این تمهیدات جالب، مسافرت فکر انگیز و دارای جنبه های

انقلابی و اصلاحی شاعر آغاز می پذیرد که البته خواندنی و فهمیدنی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

اشعار از - ۱ - اوقات آرزو بر آفت
بسیار گفتی تا به آن رسیدی
بسیار گفتی تا به آن رسیدی
اوقات آرزو بر آفت